

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۴، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰، صفحات ۵۹-۸۱

پیامدهای توسعه اقتصادی - اجتماعی در کردستان ایران بعد از انقلاب اسلامی: مطالعه موردی منطقه اورامان ژاورو

احمد محمدپور و عادل عبدالهی*

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۷/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۲/۱۸

چکیده

مطالعه حاضر، با استفاده از رویکرد نوسازی و با تأکید بر نظریه اسملسر، به مطالعه پیامدهای توسعه اقتصادی - اجتماعی در منطقه اورامان ژاورو بعد از انقلاب اسلامی می‌پردازد. روش - شناسی مطالعه حاضر کیفی است؛ از روش مردم‌نگاری میدانی برای انجام عملیات میدانی و از روش تحلیل موضوعی برای تحلیل داده‌ها استفاده می‌شود. یافته‌های پژوهش عبارت‌اند از: افول کشاورزی و دامداری، مکانیزاسیون نسبی امور کشاورزی، تقابل قوم و خویش‌گرایی و شایسته‌سالاری، فقرگریزی، تضعیف ارزش‌های سنتی، نهادمندی دانش، تضعیف فعالیت‌های اقتصادی مولد، هسته‌ای شدن خانواده و افقی شدن ساختار قدرت، تحرک اجتماعی اکتسابی، و افزایش مهاجرت‌های کاری. مقوله نهایی بررسی نیز «توسعه ناموزون» است. بر اساس مطالعه حاضر، گرچه اورامان ژاورو برخی عناصر توسعه را تجربه کرده، اما پیامدهای توسعه اقتصادی - اجتماعی اورامان ژاورو بسیار ناموزون به نظر می‌رسد.

کلیدواژه‌ها: توسعه اقتصادی - اجتماعی / اورامان ژاورو (منطقه) / کردستان (استان) / مردم‌نگاری.

* به ترتیب، نویسنده مسئول و استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا (a_mohammadpur@yahoo.com)؛ و دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران.

مقدمه

در دهه‌های اخیر، تغییرات و دگرگونی‌های پرشتاب و همه‌جانبه در عرصه جهانی سبب جدایی کشورهای توسعه‌یافته از کشورهای توسعه‌نیافته شده است. از این‌رو، جوامع گوناگون همیشه توسعه را هدف نهایی دانسته‌اند و خواستار دستیابی بدان بوده‌اند. هر چند، این مقوله فرایندی چندبُعدی است اما در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، معنایی صرفاً اقتصادی داشت و بر این اساس، کشورهای توسعه‌یافته شناخته می‌شدند که اقتصاد ملی آنها توانایی لازم را برای تداوم بخشیدن به رشد سالانه تولید ناخالص ملی با نرخ‌های بالا داشت (کلانتری و گنجی، ۱۳۸۴: ۱۴۶). چنین بود که سازمان ملل نیز با توجه به نیاز کشورها به توسعه «دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ را دهه‌های توسعه نامید!» هرچند، در آن دهه‌ها نیز توسعه همواره به عنوان یک پدیده اقتصادی مطرح می‌شد» (همان: ۱۴۶).

نظریه پردازان مختلف، از کارل مارکس گرفته تا دانیل بل، چنین استدلال می‌کنند که توسعه اقتصادی منجر به تغییرات فرهنگی وسیع می‌شود؛ اما دیگران، از ماکس وبر گرفته تا ساموئل هانتینگتون، مدعی‌اند که ارزش‌های فرهنگی مقاوم‌اند و در برابر تغییرات جدید مستقل می‌مانند. از طرف دیگر، تحقیقات نشان می‌دهند که جوامع امروزی، از یک سو، با تغییرات فرهنگی کلان و از سوی دیگر، با مقاومت محسوس ارزش‌های فرهنگی روبه‌رو هستند (اینگلهارت و بیکر، ۲۰۰۰: ۱۹). از این‌روست که امروزه گفته می‌شود توسعه نابرابر تحت تأثیر شرایط داخلی و خارجی و نحوه رویارویی این شرایط است (هتن، ۱۹۸۳: ۲۶۲).

حقیقت امر آن است که جامعه اورامان ژاورو نیز در طول سال‌های اخیر با تأثیرپذیری از شرایط داخلی و خارجی دستخوش دگرگونی‌های فراوان شده است و در اثر اجرای سیاست‌های دیکته شده توسط برنامه‌ریزان، شاخص‌های کمی و کیفی توسعه از قبیل شاخص‌های آموزشی، بهداشتی - درمانی، مخابراتی - ارتباطی، ارزش‌ها، قشربندی اجتماعی و مانند آن را دچار تغییر و تحول ساخته است. آنچه قابل بررسی است، این است که:

۱- آیا سیاست‌های تدوین شده توسط مدیریت سیاسی، متناسب با واقعیت‌های اجتماعی جامعه اورامان زاو رو بوده است؟

۲- پیامدهای مثبت و منفی توسعه اقتصادی- اجتماعی اورامان زاو رو چه بوده است؟
قدر مسلم آن است که توسعه اقتصادی- اجتماعی در ایران و به دنبال آن در اورامان زاو رو از رویکردی واحد و جامع برخوردار نبوده است، لذا آثار متفاوت و نابرابری را در مناطق مختلف ایران در پی داشته است و از این‌روست که امروزه در جامعه اورامان زاو رو شاهد مشکلات و مسائل اقتصادی و اجتماعی عدیده از قبیل بیکاری، فقر، فساد اداری، تضعیف حس ملی‌گرایی، گسترش مشاغل کاذب، مهاجرت‌های بی‌رویه و مسائل مشابه هستیم.

تشخیص هر چه بیشتر عمق مسئله مورد بحث در این مقاله، معطوف به اهداف مورد نظر سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور است که مسئولان را موظف می‌کند در یک برنامه‌ریزی بیست‌ساله (۱۴۰۴-۱۳۸۴)، ایران را به سطح قدرت اول اقتصادی، فنی و علمی منطقه برسانند. بررسی وضعیت توسعه اقتصادی- اجتماعی در کردستان و به دنبال آن در اورامان زاو رو، ما را به درک هرچه بیشتر عمق مسئله هدایت می‌کند و چگونگی توسعه اقتصادی- اجتماعی و اقدامات صورت گرفته در راستای فراهم‌سازی زیرساخت‌های لازم برای تحقق اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور را نشان می‌دهد. این بررسی، از یک سو، واقعیت‌های موجود، عمق نابرابری‌ها و کم و کیف آنها را به لحاظ محدودیت‌ها و ظرفیت‌ها نشان می‌دهد و از سوی دیگر، جایگاه کنونی اورامان زاو رو را در مقایسه با وضعیت عمومی توسعه اقتصادی- اجتماعی کشور مشخص می‌کند. همچنین، نقاط قوت و ضعف و کاستی‌های موجود در توسعه اقتصادی- اجتماعی ایران و به تبع آن، کردستان و اورامان زاو رو را نشان می‌دهد؛ و این امکان را فراهم می‌سازد که به نبود الزامات و بایدهای مربوط به تدابیر علمی و دقیق مبتنی بر واقعیت‌های موجود، برای نیل به اهداف توسعه در ایران، به‌ویژه در اورامان زاو رو، پی ببریم و بدین مهم دست یابیم که مدیریت توسعه در ایران برنامه-ریزی واقع‌گرایانه را سرلوحه اقدامات خود قرار نداده است.

ضرورت و اهمیت تحقیق

قلمرو مطالعات کردشناسی از اهمیتی به سزا برخوردار است. این اهمیت زمانی بسیار چشمگیر و برجسته می‌شود که برنامه‌ریزان اقتصادی و فرهنگی در صدد سرمایه‌گذاری در حوزه‌های متفاوت نظام اجتماعی در این نواحی باشند، یا کسانی در پی آن باشند که وضعیت و جایگاه کردستان را در مدار توسعه و پیشرفت اجتماعی دریابند. بدون شک، هر دو دسته یا شده با مشکلاتی متفاوت روبه‌رو خواهند شد. مطالعات صورت گرفته در مورد کردستان، هیچ تصویر و دورنمایی گویا از وضعیت موجود این بخش از مملکت را ارائه نمی‌دهند. از این‌رو، مطالعه حاضر از چند جهت دیگر نیز می‌تواند حائز اهمیت و ضروری باشد:

- ۱- به‌کارگیری روش و نظریه اجتماعی به عنوان ابزارهای جدید برای مطالعه مربوط به کردشناسی، به‌منظور پرهیز از نقایص و غیرعلمی بودن مطالعات کلاسیک، که عمدتاً تاریخی و سیاسی‌اند؛
- ۲- ارائه یک رویکرد نظری- تجربی نسبتاً کامل در خصوص توسعه اقتصادی- اجتماعی در اورامان ژاورو؛
- ۳- به‌دست دادن یک نقطه شروع برای انجام مطالعات کردشناسی در پارادایم عمومی توسعه و تغییرات اجتماعی، که به‌رغم کلیه نقایص و کمبودهای نظری و روشی، بتواند فتح بابی جدید در مطالعات علمی مربوط به کردستان‌شناسی باشد؛ و
- ۴- آزمون نظریات متفاوت توسعه و تغییر اجتماعی برای بررسی مسائل مربوط به توسعه منطقه‌ای و حتی قومیتی در ساختار جامعه ایران، که می‌تواند تلاشی ولو محدود و اندک در زمینه بومی‌سازی نظریات جامعه‌شناختی باشد.

اهداف مطالعه

هدف کلی پژوهش در عنوان مقاله حاضر «بررسی پیامدهای توسعه اقتصادی- اجتماعی در کردستان ایران بعد از انقلاب اسلامی: مطالعه موردی اورامان ژاورو» مستتر بوده و اهداف تفصیلی آن نیز به شرح زیر است:

- ۱- بررسی و تبیین عوامل درونی مؤثر بر توسعه اقتصادی - اجتماعی و پیامدهای آن در اورامان زاوورو؛
- ۲- بررسی و تبیین عوامل بیرونی مؤثر بر توسعه اقتصادی - اجتماعی و پیامدهای آن در اورامان زاوورو؛
- ۳- بررسی و تبیین رابطه متقابل عوامل درونی و بیرونی و مطالعه چگونگی تأثیر این رابطه در فرایند توسعه اقتصادی - اجتماعی اورامان زاوورو؛ و
- ۴- ارائه راهکارهای کاربردی و راهبردی برای بهبود توسعه اقتصادی - اجتماعی در اورامان زاوورو.

مروری بر ادبیات پژوهشی

مطالعات جامعه‌شناختی در زمینه وضعیت توسعه و پیامدهای آن در کردستان اندک است. با توجه بدین محدودیت، از مهم‌ترین مطالعات مؤثر داخلی انجام شده، که هر کدام به نحوی (مستقیم یا غیرمستقیم) با موضوع مقاله در ارتباط‌اند، می‌توان به پژوهش امان‌اللهی بهاروند (۱۳۷۴)، با عنوان «کوچ‌نشینی در ایران»، محمدپور (۱۳۸۰)، با عنوان «فرایند و پیامدهای نوسازی در کردستان ایران: مطالعه شهرستان سردشت از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۸۰»، رضایی (۱۳۸۲)، با عنوان «بررسی جمعیت و وضعیت توسعه انسانی در استان کردستان»، و محمدپور (۱۳۸۶)، با عنوان «بازسازی معنایی پیامدهای نوسازی در منطقه اورامان تخت»، اشاره کرد. همچنین، در میان مطالعات خارجی مرتبط نیز می‌توان به پژوهش خانم کویونیون (۲۰۰۰)، با عنوان «جنگ نامرئی در کردستان شمالی»، تحقیق نیکیتین (۱۳۷۸)، با عنوان «کرد و کردستان»، و مطالعه میدانی بروین‌سن (۱۳۷۸)، با عنوان «جامعه‌شناسی مردم گُرد (آغا، شیخ و دولت)»، اشاره کرد.

انجام مطالعاتی از این قبیل در اورامان زاوورو مفید به نظر می‌رسد، به‌ویژه آنکه با بررسی‌های صورت گرفته بدین نتیجه رسیدیم که مطالعه در باره موضوع و پرسش تحقیق حاضر در قالب رساله‌های آکادمیک کمتر انجام شده است؛ و از این‌رو، با

دیدگاه‌های گوناگون جامعه‌شناسی که اعتبار تجربی آنها در جامعه‌گردستان مورد ارزیابی قرار گرفته باشد، مواجهه نیستیم؛ از این‌رو، نگارندگان امیدوارند که در توسعه علمی و پژوهشی موضوع این مقاله، حق مطلب را ادا کرده باشند.

چارچوب نظری تحقیق

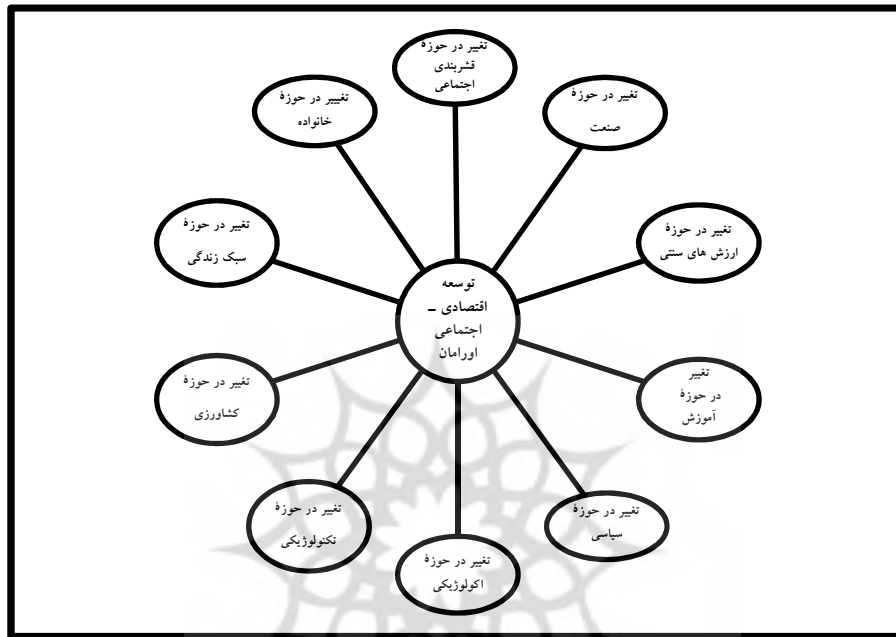
پیش از پایان دهه ۱۹۷۰، یعنی زمانی که آتش انتقادات نسبت به مکتب‌نوسازی فروکش کرد، نوعی تجدید حیات در مطالعات نوسازی پدید آمد. این مطالعات جدید نیز مانند مطالعات اولیه، موضوع بحث خود را توسعه جهان سوم قرار داده‌اند؛ و هدف آنها تبیین توسعه‌ای است که اساساً از طریق عوامل داخلی نظیر ارزش‌های فرهنگی و نهادهای اجتماعی صورت می‌گیرد. این مطالعات جدید نیز از اصطلاحاتی نظیر آنچه در مطالعات کلاسیک به کار برده می‌شد - مانند سنت و تجدد - استفاده می‌کنند و اساساً در این فرض که نوسازی (و رابطه با کشورهای غربی) در مجموع به نفع کشورهای جهان سوم است، با آنها اشتراک نظر دارند. با این حال، تفاوت‌هایی مهم نیز میان مطالعات جدید و سنتی نوسازی به چشم می‌خورد. اعضای مکتب‌نوسازی جدید اکنون در موضع تهاجمی قرار دارند. از یک سو، آنها با منتقدان مارکسیست خود درگیر شده و آنها را به عنوان تبلیغات‌چی‌هایی که در مطالعه بحث‌های آنان سوءنیت داشته‌اند، مورد خطاب قرار داده و از سوی دیگر، خود به طور صریح و بی‌پرده به ارزیابی مجدد فرضیه‌های اساسی مکتب‌نوسازی پرداخته‌اند؛ آنها با بازگو کردن انتقادات خودی‌ها، در کنار گذاشتن برخی فرضیات مبهم مطالعات اولیه نوسازی نیز تردیدی به خود راه نداده‌اند (سو، ۱۳۸۶: ۷۸-۷۹).

از میان تلاش‌های متعددی که توسط نظریه‌پردازان مکتب‌نوسازی صورت گرفته است، می‌توان گفت کار اسملسر مبتنی بر مفهوم تمایزات ساختی^(۱)، از همه دقیق‌تر است (ازکیا، ۱۳۸۴: ۷۰). دیدگاه وی، دیدگاهی کارکردگراست و از تحلیل کارکردی

در یک نظام اجتماعی معین با کارکردهایش، نقش‌ها- نهادها و بازده‌های آن، ارزش‌ها، و سازمان‌های نهادی آن شروع می‌شود (حسنی، ۱۳۷۱: ۴۰). به اعتقاد اسملسر (۱۳۷۶)، تغییرات مختلف در میان یک ملت در حال توسعه در زمان‌های مختلف آغاز می‌شود و با نسبت‌های مختلف به پیش می‌رود. پس، جامعه‌ای که در راه نوسازی قدم برمی‌دارد، شاهد تغییرات بسیاری در نهادهای خود خواهد بود و تغییرات اجتماعی هر قدر هم مطابق نقشه باشند، باز بعضی نهادها زودتر و برخی دیگر دیرتر تغییر می‌کنند. بدین ترتیب، وی جامعه در حال توسعه را به حیوانی عظیم الجثه و بیقواره تشبیه کرده که با تکان دادن هر یک از اعضایش به پیش می‌رود، اما اعضای خود را گاه نسبتاً هماهنگ و گاه برخلاف یکدیگر تکان می‌دهد (وینر، ۱۳۵۳: ۶۶). همچنین، اسملسر در مقاله‌ای با عنوان «مکانیسم‌های تغییر و تنظیم تغییر^(۲)»، که در اثر جورج دالتون «توسعه اقتصادی و تغییرات اجتماعی» به نگارش درآمده، از تمایز ساختاری به عنوان «شکستن محسوس الگوهای اجتماعی و زندگی اقتصادی تثبیت‌شده» یاد می‌کند و معتقد است در جامعه‌ای که وارد مرحله نوسازی شده است، ساختارهایی که دارای چندین کارکرد مختلف هستند، جای خود را به ساختارهای ویژه و تک‌کارکردی می‌دهند (دالتون، ۱۹۷۱: ۳۵۶). از این‌رو، اسملسر معتقد است جوامعی که نتوانند این تمایز ساختاری و تخصصی شدن نهادهای مختلف اجتماعی را کنترل و تنظیم کنند، دچار ناهماهنگی ساختی شده، پاره‌ای از ناراحتی‌های سیاسی و اجتماعی را به‌وجود می‌آورند (همان: ۳۵۶).

بنابراین، در تحقیق حاضر، با استفاده از دیدگاه اسملسر، به تبیین وضعیت توسعه اقتصادی- اجتماعی و پیامدهای آن در میدان اصلی مورد مطالعه یعنی، جامعه اورامان زاوورو پرداخته‌ایم. ابعاد مورد بررسی در این مطالعه در طرح شماتیک شکل ۱ ارائه شده است.

شکل ۱- ابعاد چندگانه توسعه اقتصادی - اجتماعی



منبع: محمدپور، ۱۳۸۰: ۱۷

سؤالات محوری تحقیق

- سؤالات راهنمای پژوهش حاضر، که در میدان مطالعه واکاوی شده‌اند، عبارت‌اند از:
- ۱- چگونه توسعه اقتصادی - اجتماعی اورامان زاو رو با تأثیرپذیری از عوامل خارجی بومی (به‌ویژه دولت) ساختار و ماهیتی خاص به خود گرفته است؟
 - ۲- چگونه عوامل خارجی غیربومی (مثل جهانی شدن) با تأثیرگذاری بر عوامل خارجی بومی (به‌ویژه دولت) به توسعه اقتصادی - اجتماعی اورامان زاو رو شکلی خاص داده است؟
 - ۳- پیامدهای توسعه اقتصادی - اجتماعی ناموزون در اورامان زاو رو چه بوده است؟

- ۴- آیا در حوزه قشربندی اجتماعی، ملاک‌ها و معیارهای انتسابی و قبیله‌ای مبتنی بر قوم و خویشاوندی است؟
- ۵- آیا در حوزه تغییرات ارزشی، باورها و اعتقادات سنتی هنوز بر اذهان مردم حاکمیت دارند و مردم به آداب و رسوم و قید و بندهای سنتی پایبندند؟
- ۶- آیا در حوزه تغییرات ارزشی، ارزش‌ها و باورهای نوین در اذهان مردم نفوذ کرده‌اند؟
- ۷- آیا در حوزه تغییرات خانواده (به‌ویژه زنان)، وضعیت سنتی تغییر کرده و در امور مربوط به زندگی و ازدواج، انتخاب فردی اهمیت پیدا کرده است؟
- ۸- آیا در حوزه تغییرات سیاسی، روابط قبیله‌ای و عشیره‌ای ضعیف شده و نهادهای رسمی و نوین جایگزین آن شده است؟
- ۹- آیا در حوزه تغییرات نظام آموزشی، فرایند و وضعیت آموزش از حالت سنتی به سمت آموزش نوین و شاخص‌های آن تغییر کرده است؟

روش‌شناسی تحقیق

جامعه مورد مطالعه شامل ۲۴ روستا (۴۲۷۳ خانوار و ۱۷۵۴۱ نفر) در منطقه اورامان از توابع کردستان ایران (موسوم به اورامان ژاورو) است. به طور کلی، در تقسیم‌بندی‌های جغرافیایی و محلی، اورامان را به سه شاخه تقسیم شده است: ۱- اورامان تخت و روستاهای اطراف آن، ۲- اورامان لهون که در کردستان عراق واقع شده، و ۳- اورامان ژاورو که میدان اصلی مطالعه حاضر و دربرگیرنده دهستان‌های رزاب، بیساران، پایگلان، و ژریزه است. لازم به ذکر است که روستاهای مورد مطالعه به نحوی انتخاب شده است که فقط روستاهایی را که با گویش اورامی تکلم می‌کنند، شامل شود. مردم روستاهای مذکور کرد هستند و به زبان کردی و گویش اورامی تکلم می‌کنند. دین آنها نیز مثل سایر مردمان کرد منطقه، اسلام و مذهب آنها شافعی است.

روش تحقیق مردم‌نگاری میدانی و نوع تحقیق توصیفی-تبیینی است. مردم‌نگاری یا به عبارتی دیگر، تحقیق میدانی، به مطالعه مردمی اطلاق می‌شود که در مسیرهای طبیعی

زندگی روزمره خود به کنش می‌پردازند (محمدپور، ۱۳۸۹: ۲۱۱). همچنین، برای گردآوری داده‌ها از فنون مشاهده (مشاهده مشارکتی و آزاد) و مصاحبه استفاده شده است. از آنجا که تحقیق حاضر از نوع کیفی- میدانی و نیز موردی است، از روش نمونه‌گیری هدف‌مند^(۳) یا نظری استفاده شده است (همان: ۱۹۵). از این‌رو، در تحقیق حاضر، ضمن به‌کارگیری فنون مشاهده مشارکتی و غیرمشارکتی در میدان مطالعه برای دستیابی به مرحله تکرار داده‌ها و رسیدن به اشباع نظری، با ۴۸ نفر از مردم اورامان زاو رو که از مطلعان منطقه بودند، مصاحبه عمیق به عمل آمد.

در تحقیق حاضر، شیوه اصلی تحلیل داده‌ها تحلیل موضوعی^(۴) بوده و تحلیل مضامین و طبقه‌بندی آنها با استفاده از اصول همین شیوه صورت گرفته است. تحلیل موضوعی عبارت است از تحلیل مبتنی بر استقرای تحلیلی؛ در این نوع تحلیل، محقق از طریق طبقه‌بندی داده‌ها و نیز الگویابی درون داده‌ای و برون داده‌ای، به یک سنخ‌شناسی تحلیلی دست می‌یابد (لوفلند و لوفلند، ۱۹۹۵؛ سیلورمن، ۲۰۰۵).

یافته‌ها

از آنجا که در پژوهش حاضر، شیوه اصلی تحلیل داده‌های گردآوری‌شده از طریق مشاهده و مصاحبه عمیق تحلیل موضوعی بوده است، لذا پس از استخراج، کدبندی و مقوله‌بندی محوری مصاحبه‌های صورت گرفته، در مرحله کدبندی باز^(۵)، ۵۴ مقوله و در مرحله کدبندی محوری^(۶)، ده مقوله عمده استخراج شدند. این مقولات عبارت‌اند از: افول کشاورزی و دامداری، مکانیزاسیون نسبی کارهای کشاورزی، تقابل قوم و خویش- گرای و شایسته‌سالاری، فقر‌گریزی، تضعیف ارزش‌های سنتی، نهادمندی دانش، تضعیف فعالیت‌های اقتصادی مولد، هسته‌ای شدن خانواده و افقی شدن ساختار قدرت، تحرک اجتماعی اکتسابی، و افزایش مهاجرت‌های کاری. این مقولات ده‌گانه عمده نیز در مرحله کدبندی گزینشی^(۷) به استخراج «یک مقوله محوری^(۸)» با عنوان «توسعه ناموزون» منتهی شدند، که کل یافته‌های تحقیق را در بر می‌گیرد. در ادامه، به طور اجمالی، به هر کدام از این مقولات ده‌گانه می‌پردازیم.

افول کشاورزی و دامداری

جواب‌های داده شده توسط مصاحبه‌شوندگان نشان می‌دهند که در حوزه کشاورزی، فعالیت‌ها در زمینه زراعت، دامداری و دامپروری به حداقل خود کاهش یافته است و برخلاف سی سال گذشته، مردم بدین فعالیت‌ها گرایش ندارند و محدود فعالیتی که در این بخش‌ها انجام می‌گیرد، به صورت سنتی و در حد رفع مایحتاج روزانه است. بیشترین تغییرات صورت گرفته در زمینه باغداری نیز به شیوه سنتی بوده، به گونه‌ای که یکی از مشارکت‌کنندگان در مصاحبه چنین عنوان می‌کند: «میزان زراعت و کشاورزی حتی از حد معیشت هم کمتر است و به دلیل شیب زیاد زمین‌ها، امکان کشاورزی قابل توجه وجود ندارد. در زمینه باغداری برای عده‌ای محدود از مردم روستا تغییرات نسبی صورت گرفته است؛ ولی به دلیل عدم امکانات لازم، نگهداری میوه‌ها ممکن نیست و لذا مجبورند محصول را به پایین‌ترین قیمت بفروشند. از طرف دیگر، وجود سرمایه اجتماعی بالا بین مردم منجر به توزیع محصولات کشاورزی به قیمتی ناچیز و حتی به صورت رایگان بین اقوام و همسایه‌ها می‌شود». از نظر یکی دیگر از ساکنان اورامان، مشکلات دیگری که در این زمینه وجود دارند، عبارت‌اند از: «کاهش متقاضیان داخلی برای خریداری محصولاتی از قبیل گندم به دلیل توزیع سهمیه آرد بین مردم روستا از سوی دولت، که این امر باعث می‌شود آن مقدار گندمی هم که تولید می‌شود، به قیمتی نازل به دولت فروخته شود، به طوری که مردم از فروش این محصول درآمدی قابل توجه به دست نمی‌آورند (مثلاً در سال ۱۳۸۷، امور نگهداری از باغ انار آنها پنجاه هزار تومان هزینه داشته، در حالی که درآمد فروش محصول تنها چهل هزار تومان بوده است)؛ همچنین، کاهش میزان بارندگی طی سال‌های اخیر - که تا قبل از آن، کشت توت فرنگی به منظور صادرات به شهرهای بزرگ صورت می‌گرفت - منجر به کاهش چشمگیر صادرات این محصول شده است».

مکانیزاسیون نسبی کارهای کشاورزی

مصاحبه‌های صورت گرفته نشان می‌دهند که هنوز اغلب فعالیت‌های کشاورزی با استفاده از نیروی حیوانی و بازوی انسان انجام می‌گیرد، اما اخیراً مردم به تدریج به استفاده از ماشین‌آلات برای انجام کارهای کشاورزی و به‌ویژه حمل و نقل محصولات تولید شده گرایش پیدا کرده‌اند. یکی از ساکنان محل در این خصوص می‌گوید: «عمده فعالیت‌های کشاورزی را خود کشاورزان انجام می‌دهند و به دلیل محدود بودن کشاورزی و ناهموار بودن زمین‌ها، این فعالیت‌ها با بازوی انسان و نیروی حیوانی انجام می‌گیرد و فقط در خصوص حمل و نقل محصولات کشاورزی از ماشین‌آلات جدید بیشترین استفاده را می‌کنند؛ یعنی، مقدار کمی از این فعالیت‌ها را با ماشین‌آلات کشاورزی انجام می‌دهند». با وجود محدودیت‌های موجود در راستای هر چه بیشتر مکانیزه شدن کارهای کشاورزی در اورامان ژاورو، مردم این منطقه معتقدند که اگر چه عواملی از جمله محدود بودن فعالیت‌های کشاورزی باعث شده که کارگر مزدبگیر استخدام نشود و کشاورزان خودشان امور کشاورزی خود را انجام دهند، ولی در صورت توجه دولت در زمینه گسترش راه‌های ارتباطی و عمقی کردن کشت محصولات، افزایش بازدهی تولید محصولات کشاورزی امکان‌پذیر است.

تقابل قوم و خویش‌گرایی و شایسته‌سالاری

به‌رغم برخورداری اورامان ژاورو از نهادهای مردمی چون شورای اسلامی، دهیاری و شورای حل اختلاف، مردم اورامان ژاورو از لحاظ سیاسی هنوز آمادگی لازم و کافی را برای انتخاب مسئولان با توجه به شایستگی‌های فردی آنها ندارند و در انتخاب مسئولان مختلف، اعم از اعضای شورای اسلامی، دهیار و غیره بیشتر به قوم و خویش‌بازی گرایش دارند، لذا در اورامان ژاورو شاهد شکل‌گیری رقابت‌های سیاسی و ائتلاف‌ها در امور سیاسی و اجتماعی نیستیم، ولی با وجود این، روز به روز نقش واحدهای مختلف اداری مانند خانه بهداشت، دهیاری، شورای حل اختلاف و غیره در

حل مشکلات عمومی بیشتر می‌شود. به یقین، این امر بدون بازشدن فضای سیاسی - اجتماعی و شکل‌گیری رقابت‌های سیاسی و نهادهای مرتبط عملی نخواهد شد. به عنوان مثال، یکی از مشارکت‌کنندگان در مصاحبه اشاره می‌کند: «در امور سیاسی و اجتماعی روستا، مقوله‌های قوم و خویش‌گرایی و شایسته‌سالاری هر دو مؤثرند، ولی تأثیر قوم و خویش‌گرایی بیشتر است؛ و در انجام امور عمومی روستا، نهادهایی مثل خانه بهداشت و دهیاری مؤثرند، ولی تعویض کردن مدام دهیاران توسط شورا به روند انجام کارها لطمه وارد می‌کند و در کل، هماهنگی بین واحدهای موجود در روستا ضعیف است. شورای حل اختلاف نیز تا حدودی در رفع مشکلات مؤثر است». لذا، علاوه بر عدم آمادگی کامل مردم اورامان زاوورو مبنی بر انتخاب مسئولان بر اساس شایستگی‌های فردی، مردم از عزل و نصب‌های پی در پی متصدیان نهادهای سیاسی و اجتماعی به عنوان عاملی مؤثر در سلب اعتماد آنها به میزان تأثیرگذاری این نهادها در راستای حل مشکلات عمومی و نهایتاً عدم ترویج مشاغل اکتسابی در مقابل مشاغل انتصابی یاد می‌کنند.

فقرگریزی

به طور کلی، تغییراتی اساسی و قابل توجه در سبک زندگی و معیشت مردم اورامان زاوورو طی سی سال گذشته روی داده است. یکی از افراد مصاحبه‌شونده در مورد سبک زندگی و معیشت مردم اورامان زاوورو چنین می‌گوید: «بله؛ تغییراتی قابل توجه در سبک زندگی و معیشت مردم صورت گرفته است، ولی باز هم به دلیل محدودیت مالی، مردم قدرت چندانی در راستای مدیریت این تغییرات ندارند. ارتباطات زیاد مردم با شهرهای بزرگ و گسترش رسانه‌های ارتباطی تأثیرات زیادی در مردم داشته است، ولی در خصوص امکانات رفاهی و تفریحی، راه‌های ارتباطی و پل‌ها وضعیت خوبی نداریم». به طور خلاصه، یافته‌های به‌دست آمده در زمینه تغییر در سبک زندگی مردم اورامان زاوورو نشان می‌دهند که مردم تمایل زیادی به کاربرد امکانات و شیوه‌های جدید در

راستای تغییر سبک زندگی خود دارند و همچنین، خواهان توجه دولت نسبت به ارتقای قدرت خرید و ارتقای سطح معیشتی آنها می‌باشند؛ به‌ویژه، در خصوص واگذاری امکانات رفاهی و تفریحی برای تشویق جوانان به استفاده بهینه از اوقات فراغت‌شان تأکید زیادی دارند و به‌دلیل گسترش ارتباطات رسانه‌ای و ارتباط مداوم جوانان با شهرهای بزرگ از جمله تهران، یک گرایش فقرگریزی قابل توجه در بین مردم در حال نهادینه شدن است و مردم برای تغییر هر چه بیشتر در سبک زندگی خود، تمایلی ندارند که به وضع موجود و آنچه دارند، بسنده کنند.

تضعیف ارزش‌های سنتی

مردم اورامان ژاورو هنوز هم ارزش‌های معنوی و سنتی خود را از دست نداده‌اند؛ ولی در کنار پایبندی به اصول دینی، اخیراً گرایش به دنیاگرایی در میان آنها تشدید شده است. یکی دیگر از ساکنان چنین می‌گوید: «اعتقادات سنتی و معنوی مردم تضعیف شده و جای خود را به اعتقادات دنیوی داده است، اما بیش از نیمی از مردم هنوز هم به باورهای ارزشی و سنتی در حل مشکلات معتقدند». البته تضعیف شدن باورهای سنتی در بین مردم به معنای کم‌رنگ شدن اعتقاد مردم به خدا و اصول دین آنها نیست، به طوری که یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان در این خصوص اظهار می‌دارد: «اعتقاد به باورهای سنتی و مذهبی اکثراً در بین بزرگسالان و میانسالان محفوظ است، ولی جوانان در برخورد با مسائل اخروی و دنیوی واقع‌بین‌تر از اقشار سنتی موضع‌گیری می‌کنند و در اجرای مراسم سنتی و حتی مذهبی مشارکت حداکثری دارند و در مقابل، مراجع دینی مانع از برگزاری برخی از اعیاد فرهنگی و ملی توسط جوانان می‌شوند، که این موضوع منجر به انتقاد از این مراجع دینی از سوی جوانان شده است. همچنین، جوانان در کنار تمایلات مادی‌گرایانه معتقدند که باید نسبت به تعهدات انسانی نیز توجه بیشتری داشته باشند و خواهان آنند که ترجیح دادن منافع عمومی نسبت به نفع شخصی در بین مردم نهادینه شود.

نهادمندی دانش

نتایج مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که قشرهای مختلف مردم اورامان زاوورو، به‌ویژه زنان، گرایش فزاینده‌ای به سوادآموزی و آموزش نوین پیدا کرده‌اند، به طوری که خانواده‌ها در امور تعلیم و تربیت فرزندان نقش سستی خود را از دست داده و جای خود را به مراکز آموزشی نوین داده‌اند و در کنار این نهادها، رسانه‌های ارتباطی جدید نیز نقشی قابل توجه را در آموزش و جامعه‌پذیری کودکان و جوانان ایفا می‌کنند. یکی از مصاحبه‌شوندگان عنوان می‌کند: «آموزش در این روستا بیش از ۴۵ سال قدمت دارد و به دلیل ایجاد و گسترش اماکن و مدارس که دولت متولی آنهاست، تغییراتی قابل توجه، به‌ویژه در بخش زنان، صورت گرفته است. این مدارس در ارتقای تحصیلی و شغلی مردم و آگاهی اجتماعی آنها مؤثر بوده و نقش خانواده‌ها را در تعلیم و تربیت فرزندان کم‌رنگ‌تر کرده است». همچنین، مردم از گسترش راه‌های ارتباطی برای دسترسی سریع و آسان مردم به شهرهای مجاور، به‌کارگیری نیروی متخصص در مدارس دولتی و مراکز نهضت سوادآموزی، احداث دبیرستان‌های شبانه‌روزی با امکانات خوابگاهی در مراکز دهستان‌ها (به‌ویژه برای دختران که در تردد و یا سکونت در شهرهای مجاور با محدودیت مواجه‌اند)، ایجاد شرایط مناسب جهت کاهش مهاجرت افراد تحصیل‌کرده بومی و الگو قرار گرفتن آنها برای جوانان و نوجوانان، هم-سو کردن آموزش رسمی با فرهنگ بومی منطقه و آموزش زبان مادری در مدارس، و به‌ویژه تجهیز مدارس به امکانات رفاهی، علمی، آزمایشگاهی، رایانه‌ای و نظایر آن به-مثابه عوامل اصلی در راستای هر چه بیشتر نهادینه شدن گرایش مردم به کسب علم و آگاهی یاد می‌کنند.

تضعیف فعالیت‌های اقتصادی مولد

مردم اورامان زاوورو، به دلیل عدم حمایت و سرمایه‌گذاری کافی دولت در حوزه صنعتی، به مهارت‌های اقتصادی مولد گرایشی ندارند، و کارگاه‌های کوچک تولیدی و صنایع محلی روز به روز ضعیف‌تر می‌شوند. یکی از شرکت‌کنندگان در مصاحبه می‌گوید:

«فقط عده‌ای اندک از مردم در کلاس‌های ترویجی که توسط جهاد کشاورزی برگزار می‌شود، شرکت می‌کنند، و این به خاطر عدم برنامه‌ریزی مناسب و عدم سازگاری برنامه‌های آموزشی با استعدادهای آنهاست. به عبارت دیگر، دولت آموزش مهارت‌هایی را که متناسب با شرایط اقتصادی-اجتماعی مردم باشد، در دستور کار خود قرار نمی‌دهد». مشاهدات صورت گرفته نشان می‌دهد که بسیاری از این صنایع از جمله گیوه‌بافی را می‌توان به صورت سیار انجام داد؛ یعنی، لزومی به مستقر شدن افراد در یک مکان مشخص نیست و با فراهم کردن حداقلی از مواد اولیه انجام‌شدنی است، که این امر بر میزان انعطاف‌پذیری این صنعت می‌افزاید و اگر موانع یاد شده در تقویت این صنایع مرتفع شود، می‌توان شاهد استقبال بیش از پیش مردم از این صنایع بود. همچنین، مردم اورامان ژاورو اذعان می‌دارند که با حمایت دولت مبنی بر آموزش مردم در خصوص کسب مهارت‌های لازم در کارگاه‌های صنعتی و صنایع تبدیلی کوچک، نه تنها فعالیت‌های اقتصادی مولد در بین مردم نهادینه می‌شود بلکه بر افزایش امنیت شغلی و روانی مردم نیز تأثیری به‌سزا خواهد داشت.

هسته‌ای شدن خانواده و افقی شدن ساختار قدرت

اکثر مصاحبه‌شوندگان اذعان داشتند که در اورامان ژاورو، ازدواج‌های اجباری و مصلحتی جای خود را به ازدواج‌های مبتنی بر علائق فردی و با رضایت طرفین داده است و امروزه، در اورامان ژاورو، بزرگ‌ترها و والدین در امور ازدواج نقش و کارکرد سابق خود را از دست داده‌اند و تنها در تعیین مهریه و ترتیب دادن مراسم خواستگاری و ازدواج و مانند آن دخالت دارند؛ به‌ویژه، نقش سنتی خانواده‌ها در تعیین کمیت و کیفیت مهریه هنوز هم دارای کارکرد سنتی خود است و غالباً حد و حدود سنتی و شرعی آن رعایت می‌شود. در خصوص ساختار خانواده نیز شاهد هسته‌ای شدن خانواده در اورامان ژاورو هستیم و در کنار این پدیده، زنان و فرزندان توانسته‌اند موقعیت اقتصادی-اجتماعی خود را در جامعه و به‌ویژه در درون خانواده ارتقا دهند و نقشی تعیین‌کننده در امور مختلف زندگی ایفا کنند. همچنین، اقتدار سنتی بزرگسالان

نیز روز به روز کم‌رنگ‌تر می‌شود. یکی از مصاحبه‌شوندگان پیرامون این موضوع چنین می‌گوید: «ساختار خانواده از حالت گسترده به حالت هسته‌ای تغییر پیدا کرده و ازدواج‌های اجباری و مصلحتی جایگاهشان را از دست داده‌اند. همچنین، به دلیل عدم تشابه فکری والدین و فرزندان، حتی در خانواده‌هایی که از لحاظ اقتصادی فرزندان به والدین وابسته‌اند، باز هم فرزندان حرف آخر را می‌زنند و نقش زنان نیز به‌ویژه در خانواده‌هایی که پدر دور از خانواده است، برجسته‌تر شده است».

تحرك اجتماعى اکتسابى

بر اساس مطالعه حاضر، قشریندی اجتماعی در اورامان ژاورو ساختار سنتی خود را از دست داده است، به طوری که طبقات و ساختارهای سنتی جامعه به طور کلی دگرگون شده‌اند و امروزه، موقعیت خانوادگی افراد در اکتساب مشاغل و مناصب مختلف اجتماعی تأثیر خود را از دست داده است. می‌توان گفت که دولت در شکل‌گیری قشریندی جدید جامعه نقشی تعیین‌کننده داشته است و متعاقب این تغییر و تحولات، پدرسالاری و اقتدار سنتی بزرگسالان روز به روز کم‌رنگ‌تر می‌شود. در این خصوص، یکی از ساکنان اورامان ژاورو می‌گوید: «در ساختار قدرت خانواده‌ها و به طور کلی جامعه، تغییراتی قابل توجه صورت گرفته، سالخورده‌ها روز به روز نفوذشان کم‌رنگ‌تر می‌شود و اقتدار سنتی پدران بر امور زندگی خانوادگی جای خود را به احترام متقابل داده است و دولت توانسته در دگرگونی طبقات اجتماعی نقشی تعیین‌کننده داشته باشد». همچنین، تنوع نیازها و تخصصی شدن امور در اکتسابی شدن پایگاه‌های مختلف نقشی قابل توجه داشته است و با ارتقای آگاهی مردم، این تصور که به دست آوردن موقعیت‌های مختلف منحصر به افرادی خاص است، تضعیف شده است و مردم به انحاء گوناگون در تلاش‌اند که در رقابت برای اکتساب پایگاه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه مشارکت کنند؛ و امروزه، برخلاف عقاید تقدیرگرایانه^(۹)، در بین مردم، ارج نهادن به منزلت کسانی که با اتکای بر شایستگی‌های فردی به موقعیت‌های قابل

توجه دست یافته‌اند، در حال نهادینه شدن است و مردم برای فعالیت‌های خود در تغییر وضع موجود نقشی مؤثر قائل‌اند و از ضرب‌المثل‌هایی چون «از تو حرکت، از خدا برکت»، که از آموزه‌های دینی آنها ریشه می‌گیرد، برای ابراز این اعتقاد خود استفاده می‌کنند.

افزایش مهاجرت‌های کاری

کمبود آب و منابع کافی از مهم‌ترین مشکلات بوم‌شناختی جامعه اورامان زاو رو به‌شمار می‌رود، که همین امر افزون بر عدم سرمایه‌گذاری دولت در بخش اشتغال، منجر به بالفعل نشدن استعداد‌های مردم در زمینه‌های مختلف شده است. به عنوان مثال، در مواردی که دولت سرمایه‌گذاری متناسب با ظرفیت‌های مردم و روستاهای منطقه را انجام داده است، نه تنها کاهش چشمگیر مهاجرت به شهرهای مجاور بلکه معکوس شدن روند مهاجرت و بازگشت مهاجران از شهرها به روستاها را شاهد بوده‌ایم. همچنین، پایین بودن دستمزدها، عدم امنیت اقتصادی قشرهای مختلف جامعه و حاکمیت فشار روانی دائمی ناشی از پدیده‌هایی چون بیکاری‌های فصلی، خشکسالی، نوسان و بحران‌های بازارهای منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی منجر به گرایش فزاینده مردم برای مهاجرت به شهرهای مختلف شده است. البته در کنار این مشکلات، شاهد برخورداری صاحبان صنایع دستی و محلی از امنیت اقتصادی نسبی، ولو محدود، هستیم. یکی از ساکنان در این خصوص عنوان می‌کند: «به دلیل کمبود کار دائم، کارگران و قشرهای دیگر جامعه تحت تأثیر نوسان‌های بازار قرار می‌گیرند؛ با این همه، مردم از تغییرات جدید استقبال کرده، از رسانه‌های ارتباطی جدید مثل تلفن همراه، ماهواره، اینترنت و رایانه بسیار استفاده می‌کنند، و انگیزه پیشرفت زیاد است. البته در کنار اینها، چشم و هم‌چشمی رایج است، تا جایی که مردم فشار زیادی به خود وارد می‌کنند تا مجموعه امکاناتی را برای خانواده‌هایشان تأمین کنند».

بر آیند

از یافته‌ها و تحلیل‌های پژوهش حاضر، که با استفاده از روش اعتبار پاسخ‌گو و روش کنترل توسط اعضا ارزیابی و تأیید شدند، مفهوم یا مقوله «توسعه ناموزون» به عنوان مقوله هسته‌ای مطالعه استخراج شد، که می‌تواند کلیه یافته‌های تحقیق را در برگیرد و نیز جنبه تبیینی داشته باشد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد جامعه اورامان ژاورو در خلال چند دهه گذشته توانسته تغییراتی اساسی و قابل توجه را در حوزه‌های مختلف، از جمله تعلیم و تربیت، خانواده، قشربندی اجتماعی، سبک زندگی، ارزش‌های سنتی و مانند آن به وجود آورد و با غلبه متغیرهای مثبت فرهنگی بر متغیرهای منفی فرهنگی، زیرساخت‌های لازم را برای شکوفایی استعدادها و توانایی‌های بالقوه خود پایه‌ریزی کند. ولی چنان‌که یافته‌های تحقیق نشان دادند، تغییرات در تمامی حوزه‌های بنیادین اورامان ژاورو به صورت یکسان و هماهنگ به وقوع نپیوسته‌اند و دلایل این ناهماهنگی را از یک سو، می‌توان در عدم آمادگی کامل مردم برای پذیرش تغییر در ابعاد زندگی خود مانند عدم دخالت ارزش‌های قومی در انتخاب متصدیان امور سیاسی و اجتماعی روستاها جستجو کرد و از سوی دیگر، باید به نقش دولت و چگونگی ایفای این نقش در عملیاتی کردن برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی در اورامان ژاورو توجه کرد؛ و اگرچه نقش مردم را در برخورد با برنامه‌های اجرایی از سوی دولت نمی‌توان انکار کرد اما بر اساس نتایج تحقیق، در اکثر حوزه‌های مختلف، مردم از هماهنگ نبودن برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی با فرهنگ، استعدادها و در کل شرایط منحصر به فرد منطقه انتقاد داشتند و اهمیت نقش دولت با توجه به این واقعیت بیشتر نمایان می‌شود که تمامی مراحل مختلف تدوین برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی اعم از شناسایی مشکلات مردم، ارائه راه حل و حتی چگونگی اجرای دستورالعمل‌ها و برنامه‌های تدوین شده به طور عام در ایران و به‌ویژه در کردستان از سوی دولت به کارگزاران دولتی و به دنبال آن به مردم در روستاها دیکته می‌شود و همین عامل، علاوه بر کاهش چشمگیر بازدهی برنامه‌های توسعه، غالباً پیامدهایی منفی را به دنبال دارد، بدین صورت که در برخی از حوزه‌ها نه تنها در رفع مشکلات مردم

نقشی نداشته بلکه بر مشکلات آنها نیز افزوده است، چرا که سازگار نبودن ماهیت این برنامه‌ها با شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منطقه باعث شده است که مردم نسبت بدین برنامه‌ها احساسی خوشایند نداشته باشند و از این‌رو، با مقاومت و عدم مشارکت مردم در اجرای آنها همراه بوده است. مصاحبه‌های صورت گرفته در حوزه‌هایی از قبیل؛ تغییرات سیاسی، صنعتی و بوم‌شناختی نیز نشان می‌داد که دولت به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم در بدبین شدن مردم نسبت به متصدیان نهادهای سیاسی و اجتماعی روستا و به دنبال آن، تضعیف روند شایسته‌سالاری، نهادینه نشدن فعالیت‌های اقتصادی مولد، و تسریع روند مهاجرت‌های کاری نقشی به‌سزا داشته و دارد.

به طور کلی، فرایند توسعه اقتصادی- اجتماعی در اورامان ژاورو عمدتاً تحت تأثیر نیروهای خارجی تغییر به‌ویژه برنامه‌های توسعه‌گرایانه دولت در آن منطقه شکل گرفته است؛ بدین معنی که کارگزار اصلی تغییرات اجتماعی و اقتصادی نظام سیاسی و دولت بوده که در ادبیات نظری توسعه، به توسعه دولت- محور موسوم است. در این میان، به دلیل آمرانه بودن برنامه‌های دولت، عوامل داخلی چندان نقش نداشته‌اند، مگر آنکه برخی عوامل ساختاری سنتی وجود داشته و هنوز نیز وجود دارند که در بسیاری موارد، به طور مستقیم یا غیرمستقیم فرایند توسعه را به تعویق انداخته‌اند. از این‌رو، رابطه عوامل درونی و بیرونی توسعه در اورامان ژاورو نه تنها چندان همگرا نبوده بلکه در مواردی نیز واگرا بوده است. با این همه، ورود عناصر نوسازی بدین منطقه پیامدهای متعدد مثبت نیز به دنبال داشته است که از تغییر در ابعاد ارزشی و ایده‌ای تا بهبود شرایط اقتصادی را شامل می‌شود. امروزه، این پیامدها ساختار عمومی جامعه اورامان ژاورو را از هر نظر تغییر داده است، گرچه هنوز کاستی‌های فراوانی در زمینه نقش توسعه‌ای دولت در منطقه وجود دارد.

مطالعه حاضر، همچنین، حاوی مجموعه راهکارهایی برای ارتقای توسعه در اورامان ژاورو است. از این منظر، سیاست‌های توسعه باید معطوف به موارد زیر می‌باشد:

- در نظر گرفتن همزمان محدودیت و امکانات بوم‌شناختی منطقه: اورامان منطقه‌ای است خشک، کوهستانی و ناهموار. با این حال، ساکنان منطقه سعی بر آن داشته‌اند تا با بهره‌گیری از دانش سنتی خود در زمینه باغداری، دام‌داری، زنبورداری و مانند آن، به مدیریت زندگی خود بپردازند. این مطلب بدان معناست که این منطقه توانمندی و قابلیت ابعادی از توسعه را دارد. در این زمینه، برنامه‌ریزی توسعه می‌تواند با آموزش روستاییان، ترویج دانش زراعی و دامی، و نظایر آن صورت گیرد؛
- توجه به ذخیره معرفتی ساکنان و سازوکارهای فرهنگی و هنجاری ساکنان به عنوان عامل محرک توسعه: با توجه به برخورداری ساکنان این منطقه از ویژگی‌های فرهنگی و روان‌شناختی خاص مانند پشتکار، سخت‌کوشی، اخلاق کار و تولید، برنامه‌ریزی‌های مربوط به توسعه می‌تواند با آشکارسازی و بسط این ویژگی‌ها از سازوکارهای یاد شده دوچندان استفاده کنند؛
- اجرای سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای: این سیاست‌ها می‌توانند شامل تأسیس صنایع بسته‌بندی، نگهداری و صدور محصولات بومی باشند، که اقتصاد اورامان را شکل می‌دهند؛ و
- تأکید بر سیاست‌های توسعه به‌مثابه نوعی گفت‌وگو و پرهیز از اجرای برنامه‌های نخبه‌گرایانه: بدین معنی که برنامه‌ریزان توسعه باید به ماهیت مشارکت - محور فرایندهای توسعه در منطقه توجه داشته باشند و آن را یک کنش دوسویه تلقی کنند. در غیر این صورت، ممکن است برنامه‌های اجرایی با نیازهای واقعی و اساسی مردم چندان تناسب نداشته، صرفاً بر هزینه‌های توسعه بیفزایند.

یادداشت‌ها

1. structural differentiation
2. mechanisms of change and adjustment to change
3. purposive sampling
4. thematic analysis
5. open coding
6. axial coding

7. selective coding
8. core category
9. fatalistic

منابع

- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۴)، *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه*. تهران: اطلاعات.
- اسملسر، نیل جی. (۱۳۷۶)، *جامعه‌شناسی اقتصادی*. ترجمه محسن کلاهیچی. تهران: کویر.
- امان‌اللهی بهاروند، سکندر (۱۳۷۴)، *کوچ‌نشینی در ایران*. تهران: آگاه.
- بروین سن، مارتین وان (۱۳۷۸)، *جامعه‌شناسی مردم کرد (آغا، شیخ، دولت)*. ترجمه ابراهیم یونسی. تهران: پاییز.
- حسینی، مهدی (۱۳۷۱)، *بررسی عوامل فرهنگی، سیاسی توسعه اقتصادی کره جنوبی*. رساله کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه امام صادق.
- رضایی، مهدی (۱۳۸۲)، *بررسی جمعیت و وضعیت توسعه انسانی در استان کردستان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، بخش جمعیت و توسعه سازمان ملل. شیراز: دانشگاه شیراز.
- سو، آلوین (۱۳۸۶)، *تغییرات اجتماعی و توسعه؛ مروری بر نظریات نوسازی، وابستگی و نظام جهانی*. ترجمه محمود حبیبی مظاهری. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کلانتری، صمد و گنجی، محمد (۱۳۸۴)، «شاخصهای توسعه اجتماعی و اقتصادی در ایران». *ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، سال ۱۹، شماره‌های ۲۱۲ و ۲۱۱.
- محمدپور، احمد (۱۳۸۰)، *فرایند و پیامدهای نوسازی در کردستان ایران: مطالعه شهرستان سردشت از سال ۱۳۰۰ تا ۱۳۸۰*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، شیراز: دانشگاه شیراز.
- محمدپور، احمد (۱۳۸۶)، *بازسازی معنایی پیامدهای نوسازی در منطقه اورامانات تخت*. پایان‌نامه دکترای رشته جامعه‌شناسی، بخش جامعه‌شناسی، شیراز: دانشگاه شیراز.
- محمدپور، احمد (۱۳۸۹)، *ضد روش: منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی*. تهران: جامعه‌شناسان.
- نیکیتین، واسیلی (۱۳۷۸)، *کرد و کردستان*، ترجمه محمد قاضی. تهران: کانون فرهنگی و انتشاراتی درایت.
- وینر، مایرون (۱۳۵۳)، *نوسازی جامعه؛ چندگفتار در شناخت دینامیسم رشد*. ترجمه رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای و همکاران. تهران: فرانکلین.

- Dalton, George (1971), *Economic Development and Social Change*. Garden City, New York: The Natural History Press.
- Hettne, Bjorn (1983), "The development of development theory". *Acta Sociologica*, Vol. 26, No. ¾, pp. 247-266.
- Inglehart, R. and Baker, W. E. (2000), "Modernization, culture change and the persistense of traditional values". *American Sociological Review*, Vol. 65, No. 5, pp. 19 -51.
- Koivunen, Kristiina (2000), *The Invisible War in North Kurdistan*. Academic Dissertation. Helsinki: Helsinki University Press.
- Lofland, J. and Lofland, Jane (1995), *Analyzing Social Settings: A Guide to Qualitative Observation and Analysis*. Belmont, CA: Wadsworth.
- Silverman, D. (2005), *Doing Qualitative Research*. London: Sage.

